

دکتر احمد به پژوه

نقش مشاوران در اصلاح نگرش جامعه نسبت به افراد معلول

افراد معلول چه معلول ذهنی و چه معلول جسمی، ابتدا انسان هستند و سپس انسان‌هایی با ویژگی‌ها و شرایط خاص رشدی. ما بیشتر از آنچه متفاوت باشیم، شبیه هم هستیم. روان‌شناسان و متخصصان مشاوره و تعلیم و تربیت بیش از حد به تفاوت‌های فردی افراد تکیه می‌کنند. در حالی که باید به شباهت‌های فردی نیز پرداخت.

برای مثال:

- هیچ کس از بی‌احترامی و تحقیر شدن خوشش نمی‌آید.

- هر کس ارزش و قدر محبت را می‌داند.

- همه انسان‌ها دوست دارند پذیرفته شوند و مورد توجه قرار گیرند.

- هر کس عضوی از بدنش را از دست بدهد، ناراحت می‌شود.

متخصصان بهداشت، پیشگیری را به سه سطح اولیه، ثانویه و ثالثیه تقسیم کرده‌اند. آنچه که در این مقاله مورد نظر است نقش مشاوران در اصلاح نگرش افراد جامعه نسبت به افراد معلول به عنوان راهبردهای پیشگیری اجتماعی و به سخن دیگر پیشگیری ثالثیه است. (هنسن و دیگران، ۱۹۹۰).

در حال حاضر اشخاص معلول در جامعه ما به طرق گوناگون در معرض طرد شدن و مورد تحقیر قرار گرفتن هستند و از این نظر رنج می‌برند. بدیهی است این وضعیت برای رشد همه جانبه و بهداشت روانی کودکان و افراد معلول و بهداشت روانی جامعه زیانبار است و موجب

ناکامی، سرخوردگی و محدودش شدن کرامت انسانی افراد معلول و کودکان با نیازهای ویژه و احساس عدم اعتماد به نفس، احساس بی‌کفایتی و ناامنی روانی و عاطفی، بالا رفتن میزان وابستگی آنها می‌شود.

به نظر می‌رسد این وضعیت بر اثر فقدان آموزش و پرورش صحیح، طبقه بندی، بر چسب‌گذاری، داغ‌گذاری، وجود نگرش‌های منفی و طرد آمیز، آموزش ندادن مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی به افراد عادی و معلول، جدا سازی آموزشی و اجتماعی، بی‌توجهی به نیازهای ویژه، فرار گرفتن در میدان‌های رقابت آمیز ناسالم و داشتن تجربه‌های شکست و عدم موفقیت و ده‌ها عامل دیگر بوجود آمده باشند. از این رو این سؤال مطرح می‌شود که چه باید کرد؟

در این مقاله تلاش نگارنده بر این اساس است که نقش‌ها و وظایف مشاوران را از نظر روش‌های گوناگون اصلاح، تغییر و شکل‌گیری، نگرش افراد عادی نسبت به اشخاص معلول، چه کودک و چه نوجوان، به منزله راهبردهای عملی در قلمرو پیشگیری اجتماعی و تأمین‌کننده بهداشت فردی و اجتماعی از سویی و بهداشت روانی و جسمانی اشخاص معلول از دیگر سو به شرح زیر به بحث و گفتگو بگذارد.

۱- استفاده از اصل عادی‌سازی و از بین بردن حصارها و محدودیت‌ها و فراهم کردن فرصت‌های برابر و شرایطی که «معلولیت» «عادی» تلقی شود نه «غیر عادی» و تلاش در جهت «مستقل سازی» فرد معلول (به پژوه، ۱۳۷۱).

۲- استفاده از برنامه‌های یکپارچه سازی آموزشی و اجتماعی و فراهم کردن امکانات «اجتماعی شدن» و تسهیل فرآیند رشد اجتماعی و سازگاری کودکان و افراد معلول (به پژوه، ۱۳۷۲).

۳- کمک به خودشناسی، خود ارزیابی واقعی و اصلاح نگرش فرد معلول نسبت به معلولیت خود در جهت احساس «خود ارزشمندی» و داشتن مفهوم خود مثبت و واقعی.

۴- اصلاح نگرش و احساس‌ها و واکنش‌های عاطفی متضاد والدین و اعضای خانواده نسبت به فرد معلول و پیشگیری از حمایت بیش از حد از سوی والدین (به پژوه، ۱۹۹۱).

۵- اصلاح نگرش اعضای جامعه نسبت به فرد معلول در جهت پذیرش او و خودداری از برخورد ترحم آمیز.

- ۶- آماده سازی جامعه و محیط اطراف فرد معلول برای پذیرش اجتماعی او و نایل شدن به تفاهم و سعه صدر متقابل.
- ۷- آموزش همگانی، در اختیار گذاشتن اطلاعات و بالا بردن سطح آگاهی عموم مردم به روش های گوناگون.
- ۸- آموزش مستقیم و تشکیل کلاس های دانش افزایی سیار در سازمان های گوناگون مانند کارخانه ها، پادگان ها، دانشگاه ها و دبیرستان ها.
- ۹- فراهم کردن امکان تماس اجتماعی و تعامل اجتماعی میان افراد عادی و معلول به طور طبیعی و واقعی در صحنه های گوناگون زندگی و تحصیل.
- ۱۰- فراهم کردن تماس اجتماعی و تعامل اجتماعی میان افراد معلول و عادی به طور منظم و نامرئی در آموزشگاه ها و دانشگاه ها.
- ۱۱- اعلام روز یا هفته اشخاص معلول و بر کردن درهای مدارس استثنایی و سرگشنگه داری و توانبخشی به روی عموم مردم و فراهم کردن باز دیدهای گروهی.
- ۱۲- ایجاد برنامه های «گزینش دوستار ویژه» در آموزشگاه ها، مراکز پیش دبستانی، دبستان ها، مدارس راهنمایی و دبیرستان ها به منظور کمک رسانی به کودکان و نوجوانان معلول.
- ۱۳- ایجاد برنامه های آموزش توسط همسالان و اجرای بازی ها، برنامه ها و فعالیت های گروهی و دسته جمعی.
- ۱۴- خطاب کردن و نامیدن افراد معلول با احترام و عزت مانند اشخاص معلول نه معلولین. کودکان عقب مانده ذهنی نه عقب ماندگان ذهنی، دانش آموزان نابینا نه نابینایان. در این باره، توصیه می شود اشخاص معلول را به طرق زیر خطاب کنند:
 - کودکان یا افراد با نیازهای ویژه؛
 - افرادی که دچار معلولیت رشدی شده اند؛
 - افرادی که دچار تاخیر رشدی شده اند؛
 - دانش آموزانی که مشکلات یادگیری دارند؛
 - کودکانی که مشکلات بینایی یا شنوایی دارند و نظایر آن.
- ۱۵- قرار دادن مطالب علمی به زبان ساده پیرامون تعریف، علت شناسی و پیشگیری از

عقب ماندگی ذهنی و سایر معلولیت‌ها، شناساندن افراد معلول، برنامه‌های آموزشی اشخاص معلول و نحوه برقراری ارتباط با آنها و در کتاب‌های درسی ابتدایی، راهنمایی، دبیرستانی و دانشگاهی.

منابع

- ۱- به پژوه، احمد (۱۳۷۳). بهفت عادی ساری، کودکان استثنایی، سرریه، حسین سعیدی
کودکان استثنایی ایران، شماره مسلسل ۲.
- ۲- به پژوه، احمد (۱۳۷۲). یکپارچه سازی آموزشی چیست؟ ماهنامه معلم و دانش
سنبله، ۱، ۱، ۱۶-۱۷.
- 3 - Beh - pajoooh, A. (1988). *What is Intergration?* Department of psychology
University of keele
- 4 - Beh - pajoooh, A (1991). Social Interactions Among severely Handicapped
Children, Non - handicapped Children and Their Mothers in an Integrated
playgroup. *Early child Development and care*, 74, pp.83-94
- 5 - Beh - pajoooh, A.(1991). The Effect of social Contact on College students
Attitudes toward Severely Handicapped Students and Their Educational
Integration. *Journal of Mental Deficiency Research*, 35, pp. 339 - 352.
- 6 - Cook, D.(1987). psychosocial Impact of Disability. In R.M parker (Ed.) ,
Rehabilitation counseling. Austin, Texas: pro.Ed.
- 7 - Hansen, J.c. , Himes , B.S.& Meier,S(1990). *Consultation: Concepts and
practices*. Englewood Cliffs, NJ: prentice Hall.

- 8 - Jowett, S., Hegarty, S. & Mosses, D. (1988). *Joining Forces: A Study of links Between Special and Ordinary schools*. NFER - NELSON, Windsor.
- 9 - Thomas, K. ; Butler, A. & parker, R. (1987). *Psychosocial coonseling*. In parker (Ed.) *Rehabilitation counseling*. Austin, Texas: pro. Ed.